

سرونده‌های علی اکبر حق

انتشارات بال‌سو

۱۳۹۰



سروده‌های

سرشناسه: حقی، علی اکبر، ۱۳۰۳ -
عنوان و نام پدیدآور: سروده‌های علی اکبر حقی.
مشخصات نشر: تهران: بال سو، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۱۴۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۴۷-۷-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ۱۳۸۹/۲۲ PIRA
رده بندی دیویی: ۸۵۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۲۳۵۸۳

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع چاپ طیف‌نگار
نشانی: تهران، میدان حسن آباد، خیابان شیخ هادی، کوچه زمان پور، پلاک ۱۹ واحد ۱۰
تلفن: ۰۹۱۲۵۴۳۱۳۶۵ / پست الکترونیک: balsoo2010@gmail.com
چاپ اول: ۱۳۹۰
شمارگان: ۱۰۰۰
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۴۷-۷-۵

«پیشگفتار» ۱۷

جشن مهرگان/ ۳۳

شب یلدا/ ۳۴

«آشنایی با چاهه سرا» ۱۳/

چون گهر اندر صدف ما اعتباری داشتیم/ ۳۵

توای آدمی خویشتن راشناس/ ۳۶

چاهه ها/ ۱۵

نداند به جز، ذات پروردگار/ ۳۷

«بنام آفریدگار هستی» ۱۷/

«عاشق محراب» ۳۸/

مهر هو/ ۱۸

زمانه از آنان بر آرد دمار/ ۳۹

غاز نیایش/ ۱۹

زخم زبانی/ ۴۰

نغمه های بلبل شیرین سخن/ ۲۰

نوای سحرگاهی/ ۴۱

مازندران/ ۲۱

بد آموز بودی زیان دری/ ۴۲

بناسبت شب شعر در سنگ جال/ ۲۳

نکوهش مکن/ ۴۳

شاهدشت لاریجان/ ۲۴

«آنچه در مخزن دل هست» ۴۴/

هر که جز مهر وطن اندیشه در سر پرورد/ ۲۵

سفر نیکوست/ ۴۵

رضای حق اگر خواهی/ ۲۶

مگو کودک از مگس رنجه ام/ ۴۶

لطف خداوند/ ۲۷

«زنبور عسل» ۴۷/

کل هستی ها/ ۲۸

در گلستان وجود تو/ ۴۸

درد بی دانشی/ ۲۹

رسم محبوب است/ ۴۹

مرغ حق/ ۳۰

مقام پزشک ویرستار/ ۵۰

در آرامگاه ملکوتی حکیم ابوالقاسم فردوسی/ ۳۱

زیارت خانه خدا به همراه همسر/ ۵۱

زیارت خانه خدا/ ۵۲

هوای عشق به سرزد/ ۵۳

طبع روانش/ ۵۴

باشکر خندلیت/ ۵۵

اثر عشق/ ۵۶

داستان عشق/ ۵۷

آغوش برگشا/ ۵۸

«ماجرای عشق»/ ۵۹

لغزش دیده/ ۶۰

«بی قراری دل»/ ۶۱

انتظارت می کشیدم/ ۶۲

«شادمان باش»/ ۶۳

آنچه خویان همه دارند/ ۶۴

گل افشان غنایم/ ۶۵

ماه نخبش/ ۶۶

ناکه هستی، ناکه هستم/ ۶۷

فانش مکن توراز من، زمزمه می غاز من!/ ۶۸

خدایا افزون باد این دوستی/ ۶۹

آتش افروخته خاموش کن/ ۷۰

نقطه هر جا غلط افتاد مکیدن دارد!/ ۷۱

سرپیری است/ ۷۲

محیط زیست/ ۷۳

جلوه‌ی عشق/ ۷۴

تقدیم به دخترم «نسرین»/ ۷۵

برای دخترم نسرین/ ۷۶

به یاد دخترم «نسرین» و نوهام «آناهیتا»/ ۷۷

برای نوهام آناهیتا/ ۷۸

فرزندم سیمین عزیز/ ۷۹

به فرزندگی نام گذاری نوهام «دلارام»/ ۸۰

به مناسبت نام گذاری نوهام «آنارام»/ ۸۱

دخترم زرین/ ۸۲

بناسبت زایش نوهام «دل آگاه»/ ۸۴

به فرزندگی زایش نوهام «یزدانداد»/ ۸۵

فرزند دل‌بندم «نورین»/ ۸۶

به مناسبت زایش نوهام «هویار»/ ۸۷

به مناسبت زایش نوهام «هومان»/ ۸۸

مقام مادر/ ۸۹

«پایگاه مادر»/ ۹۰

رباعیات ۹۱

در خانه خدا/ ۹۳

زادروز نوهام دل آگاه/ ۹۶

دیدار/ ۹۹

مصاحبه!/ ۱۰۲

«بر روی سنگ گور مادرم»/ ۱۰۳

«بر روی سنگ گور پدرم»/ ۱۰۳

تکبیتی‌ها ۱۰۵

قصاید ۱۱۵

نادرشاه افشار/ ۱۱۶

بسی دیدیم توفان حوادث/ ۱۱۷

«توفان بلا»/ ۱۱۸

چرا در سرت هست سودای موشک؟!/ ۱۱۹

پذیرفت صدام/ ۱۲۰

بمناسبت جنگ آمریکا و هم‌پیمانانش با عراق/ ۱۲۲

بمناسبت آغاز جنگ آمریکا با هم‌پیمانانش با عراق/ ۱۲۴

آغاز جنگ دوم آمریکا و انگلیس با عراق/ ۱۲۵

به یاد روان‌شاد سید حسین نوشیروانی/ ۱۲۷

به یاد روان‌شاد محمد صادق شفیع زاده/ ۱۲۸

«تجلیل از خاتم بابایی و آقای دکتر کریمیان»/ ۱۲۹

به پاس واگذاری یک دستگاه ساختمان از طرف آقای عطریان/ ۱۳۰

به انجمن بابلی‌های مقیم تهران در بابل/ ۱۳۰

درسوگ مادر/ ۱۳۱

درسوگ همسر، بلقیس احمدی عمران/ ۱۳۲

«دیدار دوست»/ ۱۳۳

دروصف دوست گرامی آقای عیسی زارعی/ ۱۳۴

نور عشق/ ۱۳۵

رباعی محلی مازندرانی/ ۱۳۷

«پیشگفتار»

زیزدان و از مابین آن کس درود که تارش خرد باشد و داد بود در رهگذار زندگانی علمی و فرهنگی خاندان «حقّی» یکی از رایومندترین مردانی که سراسر زندگی را در تلاش و کار سودمند برای فراگردیان می‌دید، استاد گرانمایه سیدعلی اکبر حقّی است که سرایندهی این دفتر می‌باشد. این مرد نیک‌اندیش، سال‌های پربار عمرش را در آموزش و پرورش و جمعیت جوانان شیر و خورشید (سابق) در جایگاه یک استاد و مدیر کاردان سپری کرد و همواره در راه سازندگاری و پروردگاری جوانان ایران‌زمین زندگی نمود. او در کنار زندگی خانوادگی و همسر و فرزندان خود، فرزندان بی‌سرپرست بسیاری را سرپرستی کرد و در جایگاه پدری دلسوز آنان را به زندگانی راستین رساند. درست‌کرداری و رفتار و اندیشه‌ی نیک او همواره در چهره‌ی سرشار از مهرش جلوه‌گر بود و از او به‌نام یک انسان راستین با امواجی فرامند در فراگرد، یاد می‌شده است. خردمندی و دادگری بزرگ‌ترین شعار تربیتی این مرد در پیوند با جوانان شهر و دیارش بود و همواره الگوی راستی و درستی برای همگان. به‌همین رو، بایسته دانستم آنچه را که همواره از این بزرگ‌مرد در جایگاه فرزند، بر دل و جانم جای گرفته است در چهر پیشگفتار، در آغاز کتاب چامه‌های پدر بنگارم و آرمان او را برای سرفرازی ایران و ایرانی بستایم و جوانان تربیت شده به دست توانای او را به سوی فرازمندی ایرانی شکوهمند فراخوانم. سیمین حقّی

«آشنایی با چامه‌سرا»

به نام آنکه هستی نام از او یافت
فلک جنبش، زمین آرام از او یافت

سیدعلی اکبر حقّی فرزند سیدباقر به سال یک‌هزار و سیصد و سه خورشیدی ۱۳۰۳/۷/۱ در شهرستان بابل چشم به جهان گشود و تحصیلات خود را در همان شهر آغاز و تا دانش‌سرای مقدماتی ادامه داد.

ایشان از سال ۱۳۲۳ وارد خدمت فرهنگ در شهرستان قائم‌شهر مازندران در دبیرستان سپهر شد و به تدریس زبان فرانسه و ادبیات فارسی پرداخت.

از سال ۱۳۲۹ پس از گذراندن دوره‌ی خدمت سربازی به زادگاهش، شهرستان بابل باز گشت و در دبیرستان شاهپور پیگیر تدریس زبان و ادبیات فارسی شد. او سال‌ها در مقام معاونت دبیرستان بوده است و با حفظ سمت، مدیریت خانه‌ی جمعیت جوانان هلال‌احمر بابل را نیز بر عهده داشت.

این فرهنگی‌نیک‌نام و پُر تلاش، پس از ۳۴ سال و ۱۱ ماه خدمت پیگیر، در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۱ به افتخار بازنشستگی نایل آمد.

زادگاهش شهرستان بابل بوده است و تابستان‌ها را در دوران نوجوانی و جوانی، در بیلاق مادری خویش به نام «سنگ‌چال» از توابع بابل به سر می‌برد و پیوسته از زیبایی‌های شگفت‌انگیز آن دیار بهره می‌گرفت. بی‌گمان دلبستگی به سرزمین مادری، یعنی جایی که یادهای دلنشین دوران پرشکوه جوانی در آنجا پایه و مایه گرفته بود، وی را بر آن داشت تا آنچه را با چشم دل، در نهاد خویش نقش نمود به شیوه‌ی چکامه آماده و پای‌انداز بزرگان هنر ایران‌زمین، به ویژه، هم‌میهنان مازندرانی بنماید، به همین مناسبت به تاریخ ۱۳۵۳/۸/۲ خورشیدی دومین چامه را تحت عنوان «مازندران» سروده است که دلنشینی

ویژه‌یی را ارمغان دارد. ایشان بر این باورند که زیبایی‌ها و آراستگی دلپذیر سرشت گیتی، همواره نقش نخست را در تندرستی و دگرگونی ساختار روان، آرامش تن و جان و اندیشه انسان‌ها دارد.

بنابراین با باوری به این حقیقت، خود را وام‌پرداز زادگاهش یعنی خطه‌ی سرسبز و زرخیز مازندران دانسته و به دل‌انگیزی انکارناپذیر آن می‌بالد.

چامه‌های این آموزگار خوش‌ذوق ویژگی‌هایی دارد که هر خواننده‌ی گرامی به خوبی می‌تواند به احساس و بینش درون او، پی ببرد.

ایشان همانند دیگران، ستایش پایگاه مادر و مادری را جزو خویشکاری بایسته‌ی خود می‌دانند که در این باره می‌توان به بخشی از سروده‌ی او، در بزرگداشت فرگاه مادر نگاهی نمود:

تو، ای مادرِ مهر‌پرداز من	امید سرانجام و آغاز من
ترا، برتری دادی ز دامن پاک	ملائک به پایت درافتد به خاک
گرامی بداری بدین خاک را	سراسر همه میهن پاک را
که این خاک، هر ذره‌اش مادر است	جهانی در این نَره‌ها اندر است
در این چامه‌ام وصف مادر رواست	خرمندی و مهر، او را سزااست
سخن از دل و جان برآورده‌ام	جز این باورم نیست تا زنده‌ام
	دنباله دارد

بنابراین می‌توان با عشق و ارج‌شناسی این گوینده‌ی خوش‌سخن در پیوند با پایگاه والای مادر، آشنا شد.

اگرچه سراینده‌ی چکامه بر این حقیقت خستویی دارد که بر آید کارش نمی‌تواند بدون ایراد باشد به هر حال در گردآوری مجموعه اشعار و چاپ آن گام برداشته است.

امید آن دارد تا سروران گرامی و دوست‌داران شعر و ادب فارسی، نسبت به هنایش ایشان نیز، با دیده‌ی مهربانی بنگرند و خوش‌وقت و سپاسگزار خواهد شد که در این رهگذار، از یادآوری‌ها و مهرورزی هم‌میهنان گرامی که موجب دلگرمی بیشتری خواهد شد برخوردار گردد.